مطالعات تاریخ اسلام
سال یازدهم/ شمارهٔ ۴۰/ بهار ۱۳۹۸

بررسی جغرافیانگاری ابن‌خرداذبه به لحاظ منابع

محمدجعفر اشکواری[۱]
سیدمصطفی حسینی[۲]
سمانه خلیلی‌فر[۳]

چکیده: آثار جغرافیایی به جهت دارا بودن اطلاعات فرهنگی و تمدنی و به دور بودن از اغراض سیاسی از اهمیت خاصی برخوردارند. سنجش پایایی و روایی لازمه استفاده از منابع تاریخی است، اینکه منبع اطلاعات خود را از چه طریقی جمع‌آوری کرده است تا عیار اعتبار آن عیان شود. *المسالک و الممالک* ابن‌خرداذبه (وفات ۳۰۰ق.) از اولین آثار مکتوب جغرافیایی به شمار می‌رود که به‌نوعی میراث‌دار سنت ایرانی نیز هست. مسئله اصلی پژوهش این است که *المسالک و الممالک* ابن‌خرداذبه از چه منابعی بهره برده و تا چه اندازه معتبر است؟ با بررسی محتوایی کتاب و ریشه‌یابی داده‌های آن مشخص شد که ابن‌خرداذبه از منابع مکتوب و منابع شفاهی هم‌عصر خود به‌ویژه از اسناد و مدارک دولتی استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ابن‌خرداذبه ضمن استفاده از منابع مکتوب اعم از قرآن و کتاب بطلمیوس، آثار مسلم‌بن‌ابی‌مسلم جرمی، آثار لغت‌شناسان و مکتوبات شعری، به اسناد و گزارش‌های دیوان برید و خراج نیز دسترسی داشته و این موضوع، سفر نکردن به مناطق مختلف جهان اسلام وی را پوشش داده است. ضمن اینکه از طریق منابع شفاهی (شنیده‌ها و مشاهدات) بر اطلاعات جغرافیایی کتاب افزوده است.

واژه‌های کلیدی: جغرافیانگاری اسلامی، ابن‌خرداذبه، منابع مکتوب، منابع شفاهی

---

۱ استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول) ashkevari@znu.ac.ir
۲ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران m.huseini@ut.ac.ir
۳ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران Samane.khalilifar@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۸ تاریخ تأیید:۹۷/۰۸/۰۳

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

The Study of Ibn Ibn Khordadbeh's Geography with Respect to References

Muhammad Jafar Ashkevari[1]
Seyyed Mostafa Hosseini[2]
Samaneh Khalilifar[3]

Abstract: Geographic works are important for having cultural and civilization information and being away from political considerations. Reliability and validity testing is necessary to use historical references, i.e. the way in which a reference has collected its data can be used to determine its degree of credibility. *Al-Masālik w'al-Mamālik* by Ibn Khordadbeh is among the earliest geographical works that is somehow derived from Iranian tradition. The main issue of the research is that which references *al-Masālik w'al- Mamālik* of Ibn Khordadbeh is benefiting from and to what extent they are credible? By reviewing the content of the book and finding its roots, it was revealed that Ibn Khordadbeh has used written sources and oral sources of his age, especially government documents to compose his work. The findings of this research show that Ibn Khordadbeh, while using written sources including the Qur'an and Ptolemy's book, Moslem bin Abi Moslem Jeremi's works, the works of terminologists and poetry writers, had access to the documents and intelligence and tax reports. These has compensated for not travelling to the various parts of the Islamic world. He has also added geographic information through oral sources (hearings and observations) to his book.

Keywords: Islamic geography, Ibn Khordadbeh, oral resources, written resources

1 Assistant Professor of History and civilization of the Islamic Nations, University of Zanjan (corresponding author) ashkevari@znu.ac.ir
2 PhD Candidate of History and civilization of the Islamic Nations, University of Tehran m.huseini@ut.ac.ir
3 PhD Candidate of History and civilization of the Islamic Nations, University of Tehran Samane.khalilifar@ut.ac.ir

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

مقدمه

دانش جغرافیا، تاریخی به قدمت بشر دارد و نمی‌توان جامعه‌ای را یافت که از آگاهی‌های جغرافیایی بی‌نصیب باشد. دستاوردهای تمدن اسلامی نیز در زمینه دانش جغرافیا چشمگیر است. با وسعت یافتن قلمروی جغرافیایی تمدن اسلامی طی قرن‌های دوم و سوم هجری، اطلاعات مسلمانان از سرزمین‌های مختلف افزایش یافت و به دنبال آن بر دانش جغرافیایی مسلمانان نیز افزوده شد. جغرافیای وصفی از دستاوردهای مهم این مرحله به شمار می‌رود و همزمان نگارش آثاری با عنوان *المسالک و الممالک* در جغرافیای توصیفی آغاز می‌شود. از بین نخستین آثار جغرافیانگاران مسلمان در این زمینه، *المسالک و الممالک* نوشته ابن‌خرداذبه را در دست داریم، اگرچه ابن ندیم، ادیب ابوعباس جعفربن‌احمد مروزی (وفات ۲۷۴ ق.) را نخستین فردی می‌داند که کتابی در این زمینه نوشته است. اما اطلاعاتی از آثار پیشینیان در مسالک و ممالک مانند کتاب احمدبن‌محمدبن‌طیب سرخسی (وفات ۲۸۶ ق.) در دسترس نیست. از این رو باید کتاب ابن‌خرداذبه را به‌عنوان نماینده آثار این دوره از جغرافیانگاری مسلمانان در این زمینه دانست.

همچنین تأثیر ابن‌خرداذبه بر جغرافیانگاران و مورخان پس از خود نیز بر اهمیت کتاب افزوده است. به‌عنوان نمونه ابن فقیه، مستوفی، رازی، قزوینی، قلقشندی و گردیزی از مطالب ابن‌خرداذبه استفاده کرده‌اند.[۱] نیز مطالب قدامه در *الخراج و صنعة الکتاب* غالباً کتاب ابن‌خرداذبه را به یاد می‌آورد، زیرا بیشتر از همه به وصف راه‌های پستی (برید) و ولایات توجه دارد و اطلاعات مهمی از تقسیمات زمین و خراج می‌دهد. کثرت اقتباس قدامةبن‌جعفر از مطالب کتاب ابن‌خرداذبه به حدی است که در بیشتر صفحات مربوط به وصف راه‌ها مصحح صراحتاً افتادگی‌های متن اصلی را با اطلاعات کتاب ابن‌خرداذبه ترمیم کرده است.[۲] همچنین ابن‌خرداذبه درباره مناطق بیرون از قلمرو اسلام منبع اساسی *حدود العالم من المغرب الی المشرق* بوده است.[۳] گزارش‌های ابن‌خرداذبه در *آکام المرجان* نوشته اسحاق‌بن‌حسین نیز

۱ ایگناتی یولیانویچ کراچکوفسکی (۱۳۷۹)، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص۱۲۸، ۲۰۸، ۳۱۲،۳۲۹ ؛ نفیس احمد (۱۳۷۴)، *خدمات مسلمانان به جغرافیا*، ترجمهٔحسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، صص۵۶، ۶۳.

۲ قدامةبن‌جعفر (۱۹۸۱)، *الخراج و صناعة الکتابة*، تصحیح محمدحسیم زبیدی، بغداد: دارالرشیدللنشر، صص۷۷-۱۲۹.

۳ کراچکوفسکی، همان، ص۱۸۰؛ نفیس احمد، همان، ص۴۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

وجود دارد.[۱] بنابراین از طریق بررسی *المسالک و الممالک* از نظر منابع که موضوع این پژوهش است می‌توان به سرچشمه‌ها و منابع اولیه اطلاعات جغرافیایی مسلمانان در جغرافیانگاری به‌ویژه جغرافیانگاری وصفی دست یافت.

پژوهش حاضر که از نوع پژوهش‌های تاریخی است، به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی سامان‌یافته است. این پژوهش سعی دارد منابع ابن‌خرداذبه در نگارش *المسالک و الممالک* را شناسایی و سپس دسته‌بندی نماید تا از این طریق منابع ناشناخته ابن‌خرداذبه تا سر حد امکان بر اساس پاره‌ای شواهد و قراین مشخص شوند. در پیشینه پژوهش ضروری است به این نکته اشاره شود که تاکنون به دلیل اهمیت ابن‌خرداذبه در جغرافیانگاری اسلامی پژوهشگرانی مانند کراچکوفسکی، رضا و قرچانلو[۲] در آثار خود به شرح حال، آثار، شیوه جغرافیانگاری و نقش ابن‌خرداذبه در بین جغرافیانگاران به‌ویژه مکتب عراقی پرداخته‌اند، اما مقاله حاضر با رویکردی متفاوت تلاش دارد منابع اطلاعاتی جغرافیانگاری وصفی در مرحله پیدایش را مشخص نماید.

شرح‌حال مؤلف

ابوالقاسم عبیدالله‌بن‌عبدالله‌بن‌خرداذبه در خانواده‌ای ایرانی به دنیا آمد. تاریخ ولادت او به‌درستی معلوم نیست.[۳] نام پدرش را احمد آورده‌اند.[۴] جدش خرداذبه زرتشتی‌مذهب بود که به دست برمکیان – احتمالاً یحیی‌بن‌خالد – به دین اسلام گروید. پدرش عبدالله در اوایل قرن سوم از جانب خلیفه عباسی والی طبرستان بود که با فتح بخشی از دیلم و جبال طبرستان شهرت بسیار یافت.[۵] ابن‌خرداذبه در این دوره به سبب جایگاه پدر نزد استادان صاحب نامی پرورش یافت. چنانکه موسیقی را نزد ابواسحاق موصلی، موسیقی‌دان شهیر فراگرفت. بنابراین بی‌دلیل نیست بعدها در بغداد به مجالس علمی و ادبی عصر راه یافت. چنانکه در موضوعات تاریخ، نسب‌شناسی، جغرافیا، شراب و آشپزی صاحب اثر است. در بغداد، ابن‌خرداذبه به سبب

---

۱ إسحاق‌بن‌حسین منجم (۱۴۰۸)، *آکام المرجان*، مصحح سعد فهمی، بیروت: عالم الکتب، مقدمه مصحح، ص۷.

۲ مشخصات در منابع همین مقاله آمده است.

۳ سال ولادت وی را بین ۲۰۰ تا ۲۰۵ ق گفته‌اند (منجی بوسنینه (۱۴۲۵)، *موسوعة اعلام العلماء و الادباء العرب و المسلمین*، ج ۸، بیروت: دارالجبل، ص ۶۸۷. البته مسعودی سال درگذشت وی را ۲۷۲ هجری آورده است (ابوالحسن‌علی‌بن‌حسین‌مسعودی [بی‌تا]، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، ص ۶۶)

۴ محمدبن‌اسحاق‌بن‌ندیم (۱۳۶۶)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران: امیرکبیر، ص ۲۴۵.

۵ همان، ص ۱۶۵؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

موقعیت خانوادگی و آگاهی‌های ادبی و هنری جزء مقربان و ندیمان خلیفه معتمد عباسی (حکومت ۲۵۶-۲۷۹ ق.) درآمد.[۱] سرانجام به ریاست کل برید ایالت جبال منصوب شد. بنابراین او با دستیابی به آرشیو گزارش‌های دولتی به اطلاعات رسمی بسیاری از مناطق قلمرو جهان اسلام دست یافت.[۲]

درباره سال درگذشت ابن‌خرداذبه (۲۷۲ ق. یا ۳۰۰ ق.) اختلاف است.[۳] آثار وی عبارت‌اند از: *المسالک و الممالک*، *اللهو و الملاهی*، *الطبیخ*، *کتاب الشراب*، *آداب السماع*، *جمهرة انساب الفرس و النوافل*، *کتاب الانواء*، *کتاب الندماء و الجلساء*،[۴] *کتاب الکبیر فی التاریخ*[۵] و *کتاب اخبار*.[۶] از بین آثارش دو کتاب *المسالک و الممالک* و *کتاب الانواء* در زمینه جغرافیا نوشته شده و نشان‌دهنده آگاهی‌های جغرافیایی ابن‌خرداذبه است.

المسالک و الممالک: اولین گام در جغرافیانگاری وصفی

قرن سوم هجری در جغرافیانگاری مسلمانان دوران نوآوری بود. در این دوره جغرافیای توصیفی به دنبال جغرافیانگاری ریاضی شکل گرفت و در آن به توصیف سرزمین‌ها، شهرها، آثار و ابنیه، ساکنان و همچنین اطلاعات اقتصادی از مناطق مختلف در زمینه‌های جزیه و خراج و مالیات غیره توجه شد. آثار جغرافیای توصیفی را می‌توان به چند بخش تقسیم کرد: کتاب‌های انواء، فضایل و عجایب، کتاب‌های مسالک و ممالک و البلدان‌ها، نوشته‌های توپوگرافی، آثار جغرافیای اقلیمی، سفرنامه‌ها (خشکی و دریایی). از بین موارد گفته‌شده، ابن‌خرداذبه را به‌حق باید سرآمد جغرافیانگاری توصیفی در شاخه «مسالک و ممالک» دانست.[۷] البته باید توجه داشت که اقبال با ابن‌خرداذبه همراه بود؛ زیرا به گفته ابن ندیم،

---

۱ ابوالحسن‌علی‌بن‌حسین‌مسعودی (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، ج ۴، قم: دار الهجره، صص ۱۳۱-۱۳۶.

۲ ابن‌ندیم، همان، ص ۱۶۵؛ شمس‌الدین‌محمدبن‌احمد مقدسی (۱۹۰۶)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، بیروت: دار صادر، ص ۳۶۲؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۱؛ نصرالله صالحی (۱۳۷۸)، «ابن‌خرداذبه و دل ایرانشهر نظری به ابن‌خرداذبه و المسالک و الممالک او»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ص ۳۳.

۳ بوسنینه، همان، ج ۸، ص ۲۸۷.

۴ ابن‌ندیم، همان، ص ۲۱۳.

۵ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ج ۱، ص ۲۲.

۶ گردیزی، همان، ص ۵۴۵. «آنچه محتمل به نظر می‌رسد این است که منظور کتاب اخبار همان کتاب *الکبیر فی التاریخ* باشد» (رضا، همان، ج ۳، ص ۴۱۰).

۷ عباس فاضل السعدی (۱۳۷۶)، «نظرة فی تراث العرب الجغرافی»، *المورد*، ش ۹۸، صص ۱۷-۲۱؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۷.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

ادیب ابوالعباس جعفربن‌احمد مروزی اولین فرد در این زمینه بود، اما بـه دلیـل ناتمـام مانـدن کتاب و شهرت کتاب ابن‌خرداذبه، مجالی برای اثر مـروزی بـاقی نمانـد.[۱] بـه هـر روی «اثـر ابن‌خرداذبه با تمام ناهماهنگی‌هایی که در مطالب آن وجود دارد، چون اولین اثـر و نخسـتین نمونه جغرافیای اسلامی است، توانسته اثر و نفوذ بسیاری بر تألیفات جغرافیایی بعـد از خـود بگذارد».[۲]

کتاب با اطلاعاتی مرسوم از جغرافیای ریاضی و شکل زمین آغاز می‌شود. پـس از جهـات قبله سرزمین‌های مختلف، بخش مفصلی را به سواد عراق، تقسیم اراضی و نوع خراج اختصاص داده است. وصف سواد از بخش‌های مـهم *المـسالک و الممالک* اسـت که در این بخـش بـه وصف سواد، تاریخچه، تـقسیمات ارضـی، وضع مالیات‌ها، خراج، شـاهان اسـاطیری و القـاب آنها می‌پردازد. اطلاعات دقیق از درآمدهای سواد به‌گونه‌ای است که به کمـک آن مـی‌تـوان بودجه دولت اسلامی آن روزگار را تنظیم کرد.[۳]

ازآنجاکه اساس توصیف سرزمین‌ها در این کتاب، چهار جـهت اصـلی شـمال، جنـوب، مشرق و مغرب است، توصیف مشرق ربع مسکون در ابتدا آمده است. راه‌هایی که از بـغداد تا دورترین نقاط خراسان کشـیده شـده را مـعرفی کرده، همچنین وصـف دقیـق و زنـده‌ای از راه دریایی بـه هـندوستان و چین آورده است.[۴] در ذیل توصیف مغرب، راه‌هایی که از بغـداد به مغرب ختم می‌شود با عنوان «الطریق من مـدینة السـلام الی المغرب» آورده شده اسـت. در این قسمت تقسیمات سرزمین شـام، کوره‌ها و راه‌های آن سرزمین را نیز توصیف کرده اسـت. وصف سرزمین‌های خارج از جهان اسلام از دیگر بخش‌های کتاب است. در این بخش، ابتـدا شـهرهایی که از طرطوس تا بلاد روم قرار دارند را با فاصله هریک بیان می‌کند او بـلاد روم را به نقل از مسلم‌بن‌ابی‌مسلم جرمی وصف کرده است و داستان سفر هیئتی که بـه سرپرسـتی محمدبن‌موسی خـوارزمی بـرای آگاهی از ماجرای اصحاب کهف رفته بودند را به نقل از وی بیان می‌کند.[۵]

در این کتاب وصـف بـلاد شـمال در مـقایسه بـا بـلاد شـرق و غـرب مختصـر اسـت.

---

۱ ابن‌ندیم، همان، ص ۲۱۴؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۰۳.

۲ حسین قرچانلو (۱۳۶۸)، «تحلیلی از آثار ابن‌خردادبه»، *مقالات و بررسیها*، ش ۴۷-۴۸، صص ۶۸-۶۹.

۳ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۲.

۴ عبیدالله‌بن‌عبدالله‌بن‌خرداذبه (۱۹۹۲)، *المسالک و الممالک*، افست لیدن، بیروت: دار صادر، صص ۱۸-۶۸.

۵ همان، صص ۷۲-۱۱۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

ابن‌خرداذبه راه‌های شمال از ارمنستان، گرجستان، اران تا دربند، سرزمین خزران، شهرهای خزّر و سمندر و رابطه آنها را با سرزمین اسلاوها بررسی می‌کند. در ادامه، مسیر دینور تا برزند را با مبحثی درباره منطقه ابواب به پایان می‌برد.[۱]

او بلاد جنوبی را از بلاد شمالی کامل‌تر توصیف کرده است. در این قسمت، راه را از بغداد تا مکه دنبال می‌کند و به توصیف منزلگاه‌های مدینه می‌پردازد و مسیر مهاجرت پیامبر- صلّی اللّه علیه و اله و سلم- را از مکه به مدینه معرفی می‌کند. بیان حدود حرم، مخالیف مکه در نجد، راه مکه تا طائف، مسیر مکه تا یمن، مخالیف یمن، راه بصره تا مکه، راه عمان تا مکه، مسیر دمشق تا مکه و روستاهای بحرین از دیگر مطالب این قسمت است که با معرفی راه یمامه تا یمن پایان می‌یابد.[۲]

پس از بیان مطالب بر اساس چهار جهت اصلی، مطلبی را درباره راه‌های تجاری یهود و تجار روس می‌آورد و منزلگاه‌های عمومی از اندلس تا چین و مسیر رم و قسطنطنیه را شرح می‌دهد. در پایان، ربع مسکون زمین را به روش یونانیان به چهار قسمت تقسیم می‌کند که آگاهی ابن‌خرداذبه را از تقسیم‌بندی یونانی نشان می‌دهد.[۳] سرانجام «توصیف سفر سلام ترجمان جزو این قسمت است و به دنبال آن حکایت از عجایب مختلف و کوه‌ها و رودهاست و در اینجا ناگهان نسخه خطی چنان به سر می‌رسد که گویی خاتمه ندارد».[۴]

منابع ابن‌خرداذبه

ابن‌خرداذبه در تألیف خود از منابع مکتوب و شفاهی متعددی استفاده کرده است. او در پاره‌ای موارد با ذکر اثر یا صاحب اثر منبع خود را معرفی می‌کند. اما این روش را در سرتاسر کتاب دنبال نکرده و به همین دلیل دسته‌ای مصادر او ناشناخته باقی مانده است. در نگاه کلی منابع *المسالک و الممالک* را می‌توان به شرح زیر تقسیم‌بندی کرد:

منابع مکتوب

- قرآن

---

۱ همان، صص ۱۱۷-۱۲۴.

۲ همان، صص ۱۲۸-۱۴۵؛ محمدجعفر اشکواری (۱۳۸۹)، «نقدی بر نام گذاری «مکتب جغرافیایی عراق»؛ بررسی موردی ابن‌خرداذبه، یعقوبی و ابن رسته»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۷۷.

۳ ابن‌خرداذبه، همان، صص ۱۵۳-۱۵۵.

۴ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

برخی از اطلاعات جغرافیایی، اسامی جای‌ها و اقوام که در قرآن کریم آمده جغرافی‌دانان مسلمان را سخت به خود مشغول داشته است. ابن‌خرداذبه نیز در اثر خود به این موارد پرداخته است. او دمشق را همان ارم ذات‌العماد دانسته که مسکن نوح نبی قبل از طوفان بوده است.[۱] درباره مکان دقیق ارم ذات العماد اختلاف‌نظر است، یاقوت حموی می‌نویسد: «در وضع جغرافیایی آن اختلاف‌نظر وجود دارد، برخی آن را نام شهری می‌دانند، گویند جایی بوده و اکنون نابود شده است و مکانش مشخص نیست، برخی دیگر آن را اسکندریه می‌دانند و بیشترین گویند: دمشق است».[۲] البته ابن‌خرداذبه مشخص نکرده که از چه منبعی آن را بر دمشق منطبق دانسته است.

موضع کوه جودی که کشتی نوح در آنجا پهلو گرفت را با کوه قَردَی در لبنان یکی دانسته و به آیه ۴۴ سوره هود ﴿وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِي﴾[۳] استناد کرده است.[۴] در منابع جغرافیایی و تاریخی کوهی را در جنوب‌شرقی ترکیه همان کوه مذکور در قرآن (آیه ۴۴ سوره هود) می‌دانند.[۵] در این بین دینوری (وفات ۲۸۲ ق.) که تقریباً هم‌زمان با ابن‌خرداذبه است، جودی را کوهی در ناحیه باقَرْدی و بازَبْدی از سرزمین جزیره [ابن‌عمر] دانسته است.[۶]

در توصیف شهر سَمَندر[۷] به داستان حضرت موسی(ع) و یوشع‌بن‌نون در آیه ۶۳ سوره کهف اشاره‌کرده است.[۸] ابن‌خرداذبه سنگ مورد نظر در این آیه را صخره شَروان[۹] دانسته و

---

۱ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۷۶. در سوره الفجر آیه ۵ تا ۶ چنین آمده است: ﴿أَلَمْ تَرَ كَيفَ فَعَلَ رَبُّک بِعَادٍ/ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ﴾. (مگر ندانسته‌ای که پروردگارت با عاد چه کرد/با عمارات ستون‌دار ارم).

۲ یاقوت حموی (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج ۱، بیروت: دار صادر، ص ۱۵۵.

۳ ﴿وَقِيلَ يا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَک وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ وَقُضِي الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِي وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾؛ (و گفته شد ای زمین آب خود را فرو بر و ای آسمان [از باران] خودداری کن و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت و گفته شد مرگ بر قوم ستمکار).

۴ ابن‌خرداذبه، همان، ۷۶.

۵ نک: احمدبن‌داودالدینوری (۱۳۶۸)، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی، ص ۱؛ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ج ۱، صص ۴۳ ـ ۴۴؛ مقدسی، همان، ص ۱۳۶؛ احمدبن‌ابی یعقوب‌بن‌واضح یعقوبی[بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، ج ۱، بیروت: دارصادر، صص ۱۴ ـ ۱۵.

۶ دینوری، همان، ص ۱.

۷ «شهری در آن سوی باب الابواب در فاصله ۸ روز، در سرزمین خزر، انوشیروان‌بن‌قباد آن را ساخت، این شهر دارالملک خزر بود و به دست سلمان‌بن‌ربیعه فتح شد» (یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۲۵۳).

۸ ﴿أَرَأَيتَ إِذْ أَوَينَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ﴾. (آیا به یاد داری وقتی‌که به صخره پناه بردیم و من (پریدن) ماهی (به دریا) را فراموش کردم (که برای تو بگویم).

۹ «شهری از نواحی باب الابواب که در نزد ایرانیان به دربند مشهور است، بین شروان و باب الابواب ۱۰۰ فرسخ راه است، گویند در نزدیکی آن صخره حضرت موسی (ع) واقع است» (یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۳۳۹).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

دریا را دریای جیلان و روستا را روستای باجَروان[۱] معرفی کرده است.[۲] ابن فقیه (وفات ۳۶۵ ق.) در بین جغرافیانگاران متقدم این مطالب را تکرار کرده است.[۳] البته ابن‌خرداذبه در ادامه داستان به بخشی از آیه ۷۴ سوره کهف نیز اشاره‌کرده است.[۴] ابن‌خرداذبه در این قسمت صرفاً به تطبیق مناطق جغرافیایی مورد نظر با داستان حضرت موسی (ع) پرداخته و در مورد اینکه از کجا و چگونه به آن دست‌یافته است، چیزی نمی‌گوید. البته به‌طور ضمنی به آیه ۷۷ سوره کهف[۵] نیز اشاره دارد، زیرا روستای موردنظر در آیه را باجَروان در خیران می‌داند.[۶] در معرفی مخلاف‌های یمن از مخلاف صنعا گفته و آنجا را با مکانی که در آیه ۲۰ سوره القلم در قرآن آمده است یکی می‌داند.[۷] در ادامه مخلاف‌های یمن در توصیف قصر المشید به آیه ۴۵ سوره حج استناد کرده است.[۸]

با توجه به مواردی که گفته شد، به نظر می‌رسد ابن‌خرداذبه به منظور تأیید اثرش از لحاظ مذهبی با استفاده از آیات قرآنی به تطبیق آیات قرآنی با برخی از اماکن جغرافیایی که در آن هنگام رایج بوده اکتفا کرده و چندان به صحت و سقم آنها توجه نکرده است.

- کتاب *الجغرافیا*: بطلمیوس

به دنبال ترجمه آثار یونانی در علوم مختلف به زبان عربی، آرا و نظرات یونانیان به‌ویژه

---

۱ «روستایی در دیار مضر در جزیره، از نواحی بلیخ، همچنین شهری از نواحی باب الابواب نزدیک شروان، جایی که حضرت خضر (ع) چشمه حیات را یافت، گویند آن روستایی بود که موسی و خضر -علیهما السلام - اهالی‌اش را طعام دادند» (یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۳۱۳).

۲ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۲۴.

۳ احمدبن‌محمدبن‌فقیه (۱۴۱۶)، *البلدان*، تصحیح یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتب، ص ۵۸۴؛ نیز نک: یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۳۳۹.

۴ ﴿حَتَّى إِذا لَقِيا غُلاماً فَقَتَلَهُ﴾، (موسی و خضر باز به راه خود ادامه دادند تا اینکه کودکی را دیدند و او آن کودک را کشت (موسی علیه السّلام) گفت آیا انسان پاکی را بی‌آنکه قتلی کرده باشد).

۵ ﴿فَانْطَلَقَا حَتَّى إِذَا أَتَيا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ يضَيفُوهُمَا فَوَجَدَا فيها جِدَارًا يرِيدُ أَنْ ينْقَضَّ فَأَقَامَهُ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَاتَّخَذْتَ عَلَيهِ أَجْرًا﴾؛ (پس رفتند تا به اهل قریه‌ای رسیدند از مردم آنجا خوراکی خواستند و [الی آن‌ها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد و [بنده ما] آن را استوار کرد [موسی] گفت اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری).

۶ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۲۴.

۷ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۳۶. ﴿فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ﴾، (پس آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد)

۸ همان‌جا. ﴿ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَة أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَة فَهِيَ خَاوِيَة عَلَى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَة وَقَصْرٍ مَشِيدٍ﴾، (چه بسیار از شهرها و آبادی‌ها که آن‌ها را نابود و هلاک کردیم درحالی‌که ستمگر بودند به‌گونه‌ای که بر سقف‌های خود فروریختند (نخست سقف‌های ویران گشت و بعد دیوارها به روی سقف‌ها فروریخت) و چه بسیار چاه‌های پرآب و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع بی‌صاحب ماند).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

بطلمیوس (وفات ۱۶۱م.) در زمینه جغرافیا مورد توجه مسلمانان قرار گرفت.[۱] از آثار وی می‌توان به کتاب *الجغرافیا* اشاره کرد که در دوران ترجمه چند بار ترجمه شد[۲] و ابن‌خرداذبه نیز آن را ترجمه کرده بود.[۳] بنابراین در خطابه و مقدمه کتاب تحت تأثیر آرای بطلمیوس که زمین را مرکز جهان می‌دانست، با توصیف زمین آغاز کرده[۴] و یک‌بار از او نام برده است.[۵] علاوه بر این تقسیم زمین، ربع معمور یا مسکون زمین به اورفی، لوبیه، اثیوفیا و اسقوتیا را از سنت جغرافیایی بطلمیوس به وام گرفته است.[۶]

- منابع کهن ایرانی

بی‌تردید ابن‌خرداذبه در تألیف اثرش از منابع ایرانی وام گرفته است. مؤید این مطلب تقسیم‌بندی مطالب کتاب بنا بر جهات اربعه، تقسیم جهان به چهار ربع و برابر گرفتن عراق با ایرانشهر است که خود متأثر از سنت‌های ایرانی است.[۷] به گفته مسعودی، ایرانی‌ها و نبطی‌ها قسمت مسکون زمین را به چهار قسمت خورآسان «مشرق»، آپاختران «شمال»، خوربرآن «مغرب» و نیمروز «جنوب» تقسیم می‌کرده‌اند.[۸] ازآنجاکه مؤلف در اوج عصر نهضت ترجمه زندگی می‌کرده، به ترجمه‌های فراهم آماده از زیج‌های ایرانی نیز دسترسی داشته است.[۹] بیان تقسیم زمین بنابر اقوال اساطیر ایرانی از سوی فریدون میان فرزندانش از دیگر موارد استفاده وی از منابع ایرانی است.[۱۰]

- اسرائیلیات

---

۱ احمد آرام (۱۳۴۶)، «علم جغرافیا و تطورات آن در جهان اسلام»، *معارف اسلامی*، ش ۳، ص ۹۳.

۲ «این کتاب در هشت مقاله است که کندی ترجمه بسیار بدی از آن دارد و پس از او ثابت آن را به عربی ترجمه بسیار خوبی نموده، و سریانی آن نیز یافت می‌شود». ابن‌ندیم، همان، ص ۴۸۳؛ آرام، همان، ص ۹۳؛
J. Lennart Berggren and Alexander Jones (2000), *Ptolemy's Geography an annotated translation of the theoretical chapters*, United Kingdom: Princeton University Press, p 51.

۳ ابن‌خرداذبه، همان، ۴.

۴ همان، ص ۵.

۵ «ذکر بطلمیوس فی کتابة ان مدن الارض علی عهده کانت اربعة آلاف و مائتی مدینه». همان، ص۵.

۶ همان، صص۱۵۵-۱۵۶.

۷ آرام، همان، ص ۹۹؛ صالحی، همان، ص ۳۴.

۸ مسعودی، *التنبه و الاشراف*، ص ۲۸.

۹ ابن‌خرداذبه، همان، ص۱۵.

۱۰ همان، ص ۱۵؛ نیز نک: زهرا علی زاده جدا (۱۳۹۵)، «تبیین و بررسی تاریخ نگاری ابن‌خرداذبه در *المسالک و الممالک*»، *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ش ۱۱، ص ۳.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

اسرائیلیات اصطلاحی در معارف اسلامی است که به آن دسته از روایات و قصص و مفاهیم اشاره دارد که نه در قرآن و احادیث نبوی، بلکه در تعالیم امم پیشین (امم سالفه) مانند بنی‌اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریانی است از داستان‌سرایی، اسطوره‌پردازی و غیره که بیشتر توسط یهودیان نومسلمان وارد حوزه‌های مختلف از جمله حدیث شد. این روایات مشتمل بر حکایات، قصص و افسانه‌های مختلفی درباره پیدایش و شکل کره زمین، قصص انبیاء، سرچشمه رودها، وصف بهشت و جهنم، شگفتی‌های دنیا و نظایر آن هستند. در این بین افرادی مانند وهب‌بن‌منبه (وفات ۱۱۰ ق.)، کعب الاحبار (وفات ۳۲ ق.)، ابوهریره (وفات ۵۹ ق.) و عبدالله‌بن‌عمروبن‌عاص (وفات ۶۳ ق.) افرادی هستند که اسرائیلیات با آنها پیوند خورده است.[۱] مسعودی (وفات ۳۴۵ ق.) این دسته اطلاعات را روایات و اخباری به روایت اصحاب حدیث دانسته است که نه می‌توان آنها را قبول و نه رد کرد.[۲]

دسته‌ای دیگر از منابع ابن‌خرداذبه در *المسالک و الممالک* را اسرائیلیات تشکیل می‌دهند. به‌عنوان نمونه ابن‌خرداذبه در بیان بناهای یمن روایاتی از قول وهب‌بن‌منبه و نیز راویان محلی «قال اهل الیمن ...» روایت می‌کند.[۳] یا درجای دیگر در روایتی که منتسب به اهل کتاب درباره ویرانی بیت‌المقدس توسط ملوک روم است، داستان اختلاف حضرت یعقوب با برادرش عیص و چگونگی حکومت فرزندان عیص بر بنی‌اسرائیل را نقل کرده است.[۴] همچنین از عبدالله‌بن‌عمروبن‌عاص، فردی که توصیف زمین به شکل پرنده منسوب به اوست[۵] روایتی درباره شگفتی‌های چهارگانه دنیا نقل کرده است.[۶]

– منابع لغوی و ادبی

قرن سوم دوره رونق ادبیات عرب در جهان اسلام است و با توجه به میراث غنی ادب عربی افرادی چون ابن‌خرداذبه در *المسالک و الممالک* از آثار دانشوران لغت‌شناس و ادیبان آن عصر استفاده کرده‌اند که این موضوع را می‌توان از اسامی لغت‌شناسان و استشهادات شعری

۱ فرامرز حاج منوچهری (۱۳۶۷)، اسرائیلیات، *دبا*، ج ۸، تهران: *مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ص ۲۹۰.
۲ مسعودی، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، ج ۲، صص ۲۱۶-۲۱۷.
۳ ابن‌خرداذبه، همان، صص ۱۴۴-۱۴۵.
۴ همان، ص ۱۱۸.
۵ کراچکوفسکی، همان، ص ۴۱.
۶ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۱۵.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

دریافت. در منابع لغوی اطلاعات جغرافیایی نیز وجود داشت که ابتدا به جغرافیای ناحیه‌ای جزیرة العرب محدود بود ولی از قرن سوم به‌تدریج مطالب آنها شهرها و نواحی دیگر را نیز در برمی‌گیرد.[۱] به نظر می‌رسد ابن‌خرداذبه از آثار هشام‌بن‌محمد کلبی (وفات ۲۰۶ ق.) و اصمعی (وفات ۲۱۶ ق.) لغت‌شناس استفاده کرده است. اگرچه وی از اصمعی نام نبرده، اما یک‌مرتبه از هشام‌بن‌محمد نام برده است.[۲] برای نمونه او در خبری در باب وجه تسمیه مصر چنین می‌آورد «و قال سُمیت مصر بمصربن‌حام‌بن‌نوح».[۳] ابن فقیه این خبر را از کلبی نقل کرده است.[۴] در موردی دیگر او از وجود کتیبه‌ای بر دروازه شهر ظفار به خط حمیری بدون ذکری از منبع خود گزارش داده است،[۵] حال‌آنکه همین خبر را یاقوت در ذیل ماده ظَفَار از قول اصمعی آورده است.[۶]

در ادامه اسامی افرادی که ابن‌خرداذبه از آنها نام برده آمده است که برخی از آنها لغوی بودند و دیوان شعر هم داشتند: ابن‌مُفَرَّغ (صص۱۸، ۱۴۷، ۱۷۵)؛ ابوالعَتاهیه (ص۲۲)؛ ابوالتقی عباس‌بن‌طرخان (ص۲۶)؛ أحوص (صص۳۲ و ۳۳)؛ کثیّر (ص۳۳)؛ ابوالعَذافر (ص۳۹)؛ عبدالملک‌بن‌مروان (ص۴۰)؛ ابونُخیله (ص۴۲)؛ ابوشَمَقمَق (ص۴۳)؛ حُمیدبن‌سعید (ص۵۹)؛ ابوالعَمَیثل (ص۷۲)؛ سُدَیف (ص۷۳)؛ أخطَل (ص۷۴)؛ امرؤالقیس (صص۷۵۸، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۲)؛ حسّان‌بن‌ثابت (صص۷۷، ۸۸)؛ ابن کلثوم کندی (ص۷۹)؛ مأمون (ص۸۰)؛ کعب‌بن‌جعیل (ص۹۸)؛ ابوسعید (ص۹۹)؛ فرح‌بن‌عثمان مِقسمی (ص۹۹)؛ محمدبن‌عبدالملک (صص۱۰۰، ۱۱۹)؛ عباس‌بن‌أحنف[۷] (ص۱۰۰)؛ حسین‌بن‌ضحاک (صص۱۰۱، ۱۲۱)؛ ابن ابی حفصه (ص۱۰۳)؛ جَریر (صص۱۲۶، ۱۴۶)؛ صَرمه الانصاری (ص۱۲۸)؛ مرحَب (ص۱۲۹)؛ نُمَیری (ص۱۳۴)؛ حُمیدبن‌ثَور هلالی (ص۱۳۴)؛ امیةبن‌صلت ثقفی (ص۱۳۶)؛ راجز (ص۱۳۶، ۱۵۱)؛ ابونُواس (ص۱۲۶)؛ نابغه جَعدی (صص۱۳۸، ۱۵۱، ۱۵۲)؛ ابن‌ذی جَدَن (صص۱۳۸، ۱۴۴)؛ یزیدبن‌مفرغ حمیری (ص۱۴۶)؛ نصیب (ص۱۴۸)؛ بُحتری (ص۱۶۲).

---

۱ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۰۰.
۲ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۸۲.
۳ همان، ص ۸۰.
۴ ابن‌فقیه، همان، ص ۱۱۵.
۵ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۴۵.
۶ یاقوت حموی، همان، ج ۴، ص ۶۰.
۷ شاعر متوفای ۱۹۲ هجری (مجاهد، جوحی، ص۶۲۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

ابن‌خرداذبه به جهت تسلط بر منابع ادبی به فراخور نیاز به اشعار فراوانی استشهاد کرده است. استشهاد به معنای گواهی خواستن و شاهد آوردن آیات قرآنی، احادیث، روایات و شعر در منابع نخستین اسلامی فراوان دیده می‌شود و ابن‌خرداذبه نیز به این موضوع توجه دارد. وی به اشعار طبقات مختلف شاعران و سروده‌های شاعران گوناگون اشاره کرده است. شیوه ابن‌خرداذبه در استشهادات شعری به این صورت است که تا حد امکان سعی دارد نام شاعر آورده شود،[۱] در غیر این صورت به «قال الشاعر» اکتفا می‌کند[۲] و درصورتی‌که اشعاری از بادیه‌نشینان نقل کند، چنین می‌نویسد: «قال اعرابی».[۳]

در بین شاعرانی که ابن‌خرداذبه به اشعار آنها استناد کرده است می‌توان شاعرانی از عصر جاهلی یافت، به‌عنوان نمونه: أخطل، أحوص، ابوشمقمق، جریر، حسان‌بن‌ثابت و امرو ءالقیس. از شاعران مُخَضرَم نیز در *مسالک و ممالک* اشعاری آورده است، به‌عنوان نمونه: نابغه جَعدی. همچنین اشعاری از نُمیری، ابن‌مفرغ و کثّیر از شاعران دوره اموی (حکومت ۴۱– ۱۳۲ ق.)، ابونُواس، ابونُخیله، ابوالعتاهیه و بُحتری از شاعران دوره عباسی (حکومت ۱۳۲– ۶۵۶ ق.) در *مسالک و ممالک* وجود دارد.

ابن‌خرداذبه علاوه بر اشعار عربی در دو مورد به اشعار فارسی استناد کرده است: در توصیف شهرهای شمالی و شَلَنبه[۴] شعری از بهرام گور[۵] آورده است:

منم شیر شلنبه و منم ببر تله.[۶]

در مورد دیگر شعری دَری از ابوالتقی العباس‌بن‌طرخان که «در تأسف بر خرابی سمرقند»[۷] سروده شده بود، چنین آورده است:

سَمَرقند کَندمَند بزینَت کی اَفکَند از شاش نه بَهی همی شه نه جَهی[۸]

شاعر مورد نظر اَبوالینبغی است از شعرای هجایی که در خدمت برامکه بود. اقبال درباره

۱ ابن‌خرداذبه، همان، صص۷۹، ۱۳۸، ۱۴۶.
۲ همان، صص۷۹، ۸۵، ۸۶، ۹۵.
۳ همان، صص ۶۰، ۱۲۶.
۴ شَلَنبَه ناحیه‌ای از دماوند است (یاقوت حموی، همان، ج ۳، ص ۳۶۰).
۵ بهرام گور پنجمین پادشاه ساسانی (حک ۴۳۸-۴۲۰ م) که به جنگاوری و خوشگذرانی مشهور بود. وی نخستین فردی است که به زبان فارسی شعر گفت (عوفی، همان، ص۱۹؛ دولتشاه سمرقندی، همان، ص ۲۹).
۶ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۱۸.
۷ عبدالحی حبیبی (۱۳۴۱)، «چند کلمه از لهجه هروی و کتاب طبقات الصوفیه»، *یغما*، ش ۱۶۶، ص ۶۹.
۸ ابن‌خرداذبه، همان، ۲۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

شعری که ابن‌خرداذبه از وی نقل کرده نیز چنین می‌نویسد: «از لقب پدر او طرخان که عموماً ملوک سمرقند را بآن عنوان می‌خوانده‌اند چنین بر می‌آید که این شاعر اصلاً سمرقندی است و ظاهراً از شاهزادگان آن دیار است».[۱]

مضامین شواهد شعری در *المسالک و الممالک* بیشتر تاریخ[۲] و جغرافیا[۳] است و به ندرت از موارد دیگر استفاده کرده است. به‌عنوان نمونه شعری را در مذمت حجاج به دلیل تحریم ذبح گاو برای بهبود کشاورزی سواد آورده است: «شَکَونا إلَیهِ خَرَاب السَّواد فَحَرَّمَ جَهلاً لُحُمَ البَقرة».[۴]

- حضین‌بن‌منذر رقاشی

حُضین (حُصَین) بن‌منذر (وفات ۹۹ ق.) ملقب به ابوساسان از اشراف و بزرگان قبیله بنی‌بکربن‌وائل در بصره، والی اصطخر بود که در جریان فتح سمرقند در سال ۹۳ ق. به همراه قتیبةبن‌مسلم در خراسان حضور داشت. وی نزد شیعیان و اهل سنت از راویان ثقه شمرده می‌شود.[۵] ابن‌خرداذبه روایتی از او در باب هوا و پاکیزگی سمرقند آورده است. اما بر ما روشن نیست ابن‌خرداذبه از چه منبعی مطلب را نقل کرده است.[۶]

- تألیفات مسلم‌بن‌ابی‌مسلم جرمی[۷]

---

۱ عباس اقبال (۱۳۱۲)، «ابوالینبغی العباس‌بن‌طرخان، از شعرای ذواللسانین قرن دوم هجری، وفاتش در حدود ۲۳۰ هجری»، *مهر*، ش ۱۰، ص ۷۳۵. البته وی شعر را چنین آورده است: «سمرقند کَند مَند بزینَت کی آفکند از شاش تَه بهی همیشه تَه خَهی» (همانجا).

۲ ابن‌خرداذبه، همان، صص ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۴۱-۴۵، ۴۶، ۷۴، ۸۳.

۳ همان، صص ۲۷، ۲۹، ۳۷، ۶۰، ۶۱، ۷۱، ۷۳-۷۴، ۱۱۷.

۴ همان، ص ۲۸. «به او (حجاج) از ویرانی سواد "عراق" شکایت بردیم، از روی نادانی گوشت گاو را بر ما تحریم نمود» (ابن‌خرداذبه (۱۳۷۱)، *مسالک و ممالک*، ترجمه سعید خاکرند، با مقدمه آندره میکل، تهران: موسسه مطالعات و انتشارات تاریخی میراث ملل، ص ۱۷۳).

۵ محمود مهدوی دامغانی (۱۳۸۸)، «حصین‌بن‌منذر رقاشی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج ۱۳، تهران: بنیاد دانشنامه جهان اسلام، ص ۵۵۸.

۶ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۸۱.

۷ درباره وی اطلاعات اندکی وجود دارد و حتی ابن ندیم و حاجی خلیفه نیز اطلاعاتی در این باره ارائه نمی‌دهند. گاهی وی را حُزمی یا به صیغه‌های دیگر نیز خوانده‌اند، در مبادله سوم اسرا در خلافت واثق بالله عباسی در محرم سال ۲۳۱ ق در لامس، وی آزاد شد. ولایت و مردم روم را نیک می‌شناخت و درباره اخبار روم و ملوک و سران و ولایات بُرجان، اِبر، بَرغَر، صقالبه و خزر و غیره تألیفاتی داشت. اطلاعات ذی‌قیمت را ابن‌خرداذبه از وی درباره اعداد ولایت‌های روم شرقی و مسائل مربوط به آن به سال ۲۷۲ ق/ ۸۸۵ م نقل کرده است. البته احتمال دارد مطالبی که قدامه درباره بیزانس ارائه می‌دهد از جرمی باشد همچنین مطالبی درباره اوقات حمله به آسیای صغیر. مسعودی نیز در ضمن صحبت‌هایش به این امر اشاره می‌کند. اطلاعات جرمی درباره صقالبه و سرزمین‌های مجاور از اهمیت بالایی برخوردار است که ابن‌خرداذبه آورده است. بارتولد معتقد است که بسیاری از جغرافیانگاران مسلمان تا قرن

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

بخشی از اطلاعات ابن‌خرداذبه درباره مملکت روم منقول از تألیفات مسلم‌بن‌ابی‌مسلم جرمی است. وی از اسرای آزادشده در مبادله سال ۲۳۱ ق. با روم است. او به گفته مسعودی فردی آگاه به نواحی سرحدی (ثغور شام و جزیره) بود که درباره اخبار روم، ملوک، ولایات، راه‌ها، معابر و ممالک هم‌جوار آن تألیفاتی داشته است. از تألیفات وی قطعه‌ای ناچیز باقی‌مانده است که ابن‌خرداذبه آن را روایت می‌کند.[۱] اینکه نواحی تحت سیطره پادشاه بیزانس، ۱۴ بخش (عامل) است؛ ۳ بخش در آن‌سوی خلیج و به‌غیراز آن ۱۱ بخش دیگر نیز وجود دارد: طافلا، قُسطَنطنیه، تراقیه و مقدونیه. افلاجونیه، أُفطی ماطی به معنای گوش و چشم، أُبسِیق، تَرقَسِیس، ناطَلَوس، خَرسیون، بُقلار، أرمنیاق، خَلدیه، سَلوقیه، قَبادُق.[۲] اطلاعات جرمی از مناطق یاد شده شامل موارد زیر است: فاصلهٔ شهرها، دژها و استحکامات دفاعی و قلعه‌ها.

- گزارش تَمیم‌بن‌بَحر مُطَوعی

نخستین اطّلاعات مسلمانان از راه خشکی چین که از آسیای میانه می‌گذشت از طریق تمیم‌بن‌بحر مطوعی به‌دست‌آمده است. تمیم از غازیان داوطلب مرزهای شرقی بود که بین سال‌های ۱۴۳-۱۸۴ ق. سفری سیاسی به سوی دیار ترکستان داشته است. او در این سفر گزارش مفصلی از راه خشکی به‌سوی چین، شهرها و ملوک و مرکز دیار ترکستان، تغزغز ارائه داده است. ابن‌خرداذبه قطعه‌ای از گزارش تمیم‌بن‌بحر در خصوص راه چین و مملکت تغزغز را بدون اشاره به مأخذ یا منبع نقل کرده است.[۳] گزارش کامل این سفر را ابن فقیه به نقل از مروزی و قطعاتی را یاقوت نقل کرده‌اند.[۴]

- گزارش ابوعبدالله محمدبن‌اسحاق

هفتم هجری قمری مطالب جرمی را بدون نام وی در آثارشان آورده‌اند. تسمیه دریای سیاه به خزر از اوست و صقالبه را از همسایگان مقدونیه دانسته و برجان یا بلغار در سواحل دانوب را از طرف غرب همسایه ترکیه و از طرف شمال همسایه مقدونیه به حساب آورده است (کراچکوفسکی، همان، صص ۱۰۶-۱۰۸؛ احسان عباس (۱۴۲۳)، عالم منسی مسلم‌بن‌أبی مسلم الجرمی، *التسامح*، عدد ۲، صص ۲۲۴-۲۲۸).

۱ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۰۵؛ علی‌بن‌حسین مسعودی[بی‌تا]، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دار الصاوی، ص ۱۶۲؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۰۷.

۲ ابن‌خرداذبه، همان، صص۱۰۷-۱۰۸.

۳ همان، ص ۳۰.

۴ ابن‌فقیه، همان، ص ۶۳۷؛ یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۲۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

ابن‌خرداذبه اطلاعات زیادی درباره مردم هند، آداب، عقاید و رسوم فرقه‌های مذهبی بدون اشاره به منبعی مشخص ارائه داده است. اما ابن‌رسته گزارشی مشابه آنچه ابن‌خرداذبه نقل کرده است را از قول شخصی به نام ابوعبدالله‌بن‌اسحاق روایت می‌کند.[۱] از ابوعبدالله محمدبن‌اسحاق اطلاعات چندانی در دست نیست. کراچکوفسکی معتقد است وی به احتمال زیاد در اوایل قرن سوم در قمار (خمر-کامبوج فعلی) بوده است. بارتولد گزارش وی را گذشته از ابن‌رسته منبعی برای ابن‌خرداذبه و دیگر جغرافی‌نویسان درباره هند می‌داند.[۲]

- کتاب *الحیوان*

یکی از منابعی که در کتاب *المسالک و الممالک* مورد استفاده ابن‌خرداذبه قرار گرفته کتاب *الحیوان* نوشته جاحظ (وفات ۲۵۵ ق.) است. ابن‌خرداذبه در بیان شگفتی‌های سرزمین‌ها از کتاب مذکور بهره برده است. اگرچه وی بدون هیچ اشاره‌ای به کتاب فقط به ذکر نام جاحظ اکتفا کرده است.[۳]

- اسناد و گزارش‌های دیوانی

اسناد بخشی از محتویات بایگانی‌هاست که امروزه از مهم‌ترین منابع پژوهشی به شمار می‌رود و کلیه مکاتبات سلطنتی، فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، انواع نوشته‌های اداری و دیوانی، اسناد قضایی، مالی و بخشی از مکاتبات خصوصی و خانوادگی است که به‌طور طبیعی در اثر فعالیت‌ها و عملیات اشخاص و سازمان‌ها به‌وجود آمده است؛[۴] ازآنجاکه ابن‌خرداذبه خود نیز از عُمال حکومتی بوده است، از این رو اسناد دولتی مهم‌ترین بخش از منابع وی است.
چنانکه آمد ابن‌خرداذبه چندی ریاست اداره برید جبال را بر عهده داشت. اشتغال در دوایر حکومتی سبب گردید که وی به اسناد و گزارش‌های دیوانی و حکومتی دسترسی داشته باشد. اسناد مذکور ازآنجاکه از مراجع رسمی صادر شده‌اند و حاوی آگاهی‌هایی از ولایات جهان اسلام و دیگر مناطق دارای ارزش و اعتبار بالا بودند اهمیت فراوانی داشتند. گزارش‌های

۱ ابن‌رسته (۱۸۹۲)، *اعلاق النفیسه*، بیروت: دار صادر، ص ۱۳۲ و ابن‌خرداذبه، همان، ص ۶۶.
۲ ابن‌خرداذبه، همان، صص ۶۹-۷۰؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۱۱.
۳ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۷۰؛ عمربن‌بحرجاحظ (۱۹۶۵)، الحیوان، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، ج ۴، [بی‌جا]، شرکة مکتبة و مطبعة البابی الحلبی، ج ۴، صص ۱۳۵، ۱۳۹-۱۴۰، ۱۴۲.
۴ سواژه، همان، ص۱۹؛ قائم مقامی، همان، صص۴-۵، ۴۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

ابن‌خرداذبه حاکی از آن است که وی در تدوین اثر خود از اسناد و گزارش‌های موجود در آرشیوهای حکومتی بهره فراوان برده است که در ادامه خواهد آمد.

- اسناد مالی دیوان خراج

ابن‌خرداذبه در اثر خود از میزان عایدات و خراج تک‌تک ایالات و ولایات ممالک اسلامی گزارش مفصلی ارائه داده است، به‌نحوی‌که فون کرمر بر اساس گزارش‌های مذکور بودجه خلافت را در قرن سوم هجری تدوین کرده است.[۱] مهم‌ترین منبع اطلاعاتی ابن‌خرداذبه درباره میزان خراج سرزمین‌های اسلامی را باید ابوالعباس فضل‌بن‌مروان‌بن‌ماسرجس (۱۷۰-۲۵۰ ق.) دانست، مسئول مسیحی دیوان خراج در خلافت معتصم (حکومت ۲۱۸-۲۲۷ ق.) که در زمان مأمون نیز در تشکیلات اداری حضور داشت و بعد از مرگ مأمون برای معتصم که در نبرد با روم از بغداد خارج شده بود، بیعت گرفت.[۲] ابن‌خرداذبه سه مرتبه از او با بیان «خبرّنی» یاد کرده است.[۳] با توجه به گزارش تفصیلی ابن‌خرداذبه از عایدات ممالک اسلامی، واژه «خبرّنی» را نباید به معنای اصطلاح روش حدیثی آن یعنی «سماع» دانست. بلکه به نظر می‌رسد گزارش‌های خراج ولایات را فضل‌بن‌مروان از روی اسناد مالی دیوان خراج برای ابن‌خرداذبه نقل کرده باشد. در خبری دیگر ابن‌خرداذبه بر پایه گزارش دیوان خراج «وَ وَجَدَ فِی دیوانِ الخَراج» از افزایش میزان خراج در یمن سخن می‌گوید که دسترسی وی به اسناد مالی دیوان را تأیید می‌کند.[۴] با توجه به تاریخ نگارش کتاب‌هایی مانند *الاَموال* ابن‌زنجویه (وفات ۲۵۱ ق.) و ابوعبید (وفات ۲۲۴ ق.) و *الخراج* قاضی ابویوسف (وفات ۱۸۲ ق.) و یحیی‌بن‌آدم قرشی (وفات ۲۰۳ ق.) و عدم استفاده ابن‌خرداذبه از آنها چند احتمال را می‌توان در نظر گرفت. اول آنکه وی به اسناد دیوانی دسترسی داشته، از این رو چندان نیازی به مراجعه به آن کتاب‌ها نداشته است. دوم آنکه با توجه به همزمانی تقریبی نگارش آثار و فقدان سیستم اطلاع‌رسانی سریع، امکان اطلاع از آثار دیگران در زمان کوتاه وجود نداشت. سوم آنکه رویکرد کتاب‌های نامبرده حدیثی است و به

۱ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۲.

۲ نک: شمس‌الدین احمدبن‌محمدبن‌ابی بکربن‌خلکان [بی‌تا]، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، حققه احسان عباس، بیروت: دارالثقافة، ج ۱، ص ۴۷۳، و ج ۴، صص ۴۶-۴۷؛ شمس‌الدین‌محمدبن‌احمدبن‌عثمان الذهبی (۱۴۰۳)، *سیر اعلام النبلاء*، ج ۱۲، بیروت: مؤسسة الرسالة، صص ۸۳-۸۵.

۳ ابن‌خرداذبه، همان، صص ۲۱، ۴۲، ۴۸.

۴ همان، ص ۱۴۴.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

ماهیت منابع درآمد مانند خراج و جزیه پرداخته‌اند و از این جهت نیز نمی‌توانست منبعی برای نگارش *مسالک و ممالک* ابن‌خرداذبه باشد.

- گزارش‌های دیوان برید

بخش قابل توجهی از کتاب ابن‌خرداذبه به توصیف راه‌های خشکی ممالک اسلامی و سایر مناطق اختصاص دارد. گفتنی است وی ریاست کل اداره برید ولایت جبال را بر عهده داشت و در اینجا بود که به آرشیوهای دولتی دست یافت و برای کسب اطلاعات از نواحی دوردست از شغل رسمی خود بهره فراوان گرفت.[۱] همچنین ریاست کل برید بغداد و در ادامه سامرا را بر عهده داشت و از ندیمان دربار معتمد عباسی بود.[۲] بنابراین از گزارش‌های مأموران برید در توصیف دقیق راه‌ها، فواصل و منازل استفاده فروان برده است. این گزارش‌ها گذشته از آنکه حاوی اطلاعاتی از اوضاع راه‌ها و توقفگاه بودند، آگاهی‌هائی نیز از اوضاع سیاسی، اقتصادی و مالی ولایت به دست می‌دادند.[۳]

- گزارش سَلّام تَرجُمان

شرح سفر سلام ترجمان به نواحی شمالی به فرمان الواثق بالله (حکومت ۲۲۷-۲۳۲ ق.) خلیفه عباسی در نوشته‌های جغرافی‌دانان بعد از ابن‌خرداذبه به نقل از وی رواج فراوان یافته است.[۴] ابن‌خرداذبه گزارش این سفر را ابتدا از خود سلّام روایت می‌کند، سپس می‌گوید که علاوه بر روایت، از گزارشی که سلام به خلیفه داده نیز رونویسی کرده است.[۵]

منابع شفاهی

ابن‌خرداذبه برخلاف بیشتر جغرافی‌دانان سیاح بیشتر عمر را در بغداد سپری کرد. بنابراین آگاهی او از عراق نسبت به سایر مناطق بیشتر بود. با این همه اطلاعات او درباره عراق که در آن ایام مرکز تحولات جهان اسلام بود بسیار مهم است. گزارش دقیق او از اعمال، نواحی و

---

۱ نفیس احمد (۱۳۷۴)، *خدمات مسلمانان به جغرافیا*، ترجمه حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، صص ۳۱-۳۲.

۲ ابن‌ندیم، همان، صص ۲۴۴-۲۴۵.

۳ ابن‌خرداذبه، همان، صص ۶۰، ۱۳۱.

۴ به‌عنوان نمونه: ابن رسته، همان، ص ۱۴۹، مقدسی، همان، صص ۳۶۲-۳۶۵.

۵ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۶۲، ۱۷۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

طسُّوج‌های عراق شاهدی بر این مدعاست.[۱] ذکر حکومت‌ها و خاندان‌های حکومتگر سرزمین‌های غربی خلافت و حوزه قلمروی آنان معاصر با مؤلف و تصرف آنقره و تخریب آن توسط معتصم را نیز می‌توان جزء دانسته‌های شخصی مؤلف شمرد.[۲] با توجه به مرکزیت عراق، ابن‌خرداذبه بسیاری از اطلاعات خود را بی‌واسطه از کسانی شنیده که به عراق آمدوشد داشتند. به‌عنوان نمونه از شخصی به نام فضل‌بن‌مروان اجازه مکتوب برای روایت داشته است. منابع شفاهی ابن‌خرداذبه که در آنها منبع خبر هم آمده است به شرح زیر هستند.

- محمدبن‌موسی خوارزمی؛ منجم

از منابع شفاهی ابن‌خرداذبه درباره مملکت روم، گفته‌های محمدبن‌موسی منجم است که برای او روایت کرده است. محمدبن‌موسی از سوی خلیفه الواثق بالله عباسی (حکومت ۲۲۷-۲۳۲ ق.) برای تحقیق در باب اصحاب کهف عازم دیار روم شد.[۳] علاوه بر این منبع ابن‌خرداذبه در بیان بناهای شگفت‌انگیز کلیساهای روم نیز محمدبن‌موسی است.[۴] لازم به ذکر است هرچند ابن‌خرداذبه از منبع خود یادی نکرده است اما ابن‌رسته گزارش مذکور را از محمدبن‌موسی ذکر می‌کند.[۵]

- ابوبکربن‌عمر قرشی و عبدالله‌بن‌ابی‌طالب قرشی

ابن‌خرداذبه به نقل از این دو تونسی خبری درباره مناره مدور اسکندریه روایت می‌کند.[۶]

- ابوالفضل رائض‌بن‌حارث‌بن‌اسد

ابن‌خرداذبه روایتی از ابوالفضل رائض فرزند صاحب مملکت خُطَّلان در باب نژاد مادیان‌های این دیار آورده است. او ابتدا می‌گوید ابوالفضل این خبر را روایت کرده است در آخر خبری از قول خود او نقل می‌کند.[۷]

---

۱ ابن‌خرداذبه، همان، صص۱۸-۲۸.
۲ همان، صص ۸۱-۸۲، ۹۲.
۳ همان، ص ۱۰۶.
۴ همان، ص ۱۱۳.
۵ ابن‌رسته، همان، ص ۸۳.
۶ ابن‌خرداذبه، همان، صص ۱۱۴-۱۱۵.
۷ همان، ص ۱۸۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

– دریانوردان و حکماء و منابع روایی

توصیف دقیق راه دریایی هند از بندر بزرگ بصره تا بندر تجاری چین یعنی خانفو از بخش‌های قابل توجه در *المسالک و الممالک* است. در قسمتی از توصیف راه دریایی مطالب را به نقل از دریانوردان «ذکر البحریون» آورده است،[۱] یا روایتی از قول پارسایان براهمه هند نقل می‌کند «فذکرت البراهمه و هم عُبّاد الهند»،[۲] یا در خبری دیگر درباره طبیعت و سرشت شهرها می‌گوید «قال الحکماء».[۳] در بیان مسیر هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه بی‌شک از کتب روایی و سیره استفاده کرده است.[۴]

البته دسته‌ای دیگر از منابع شفاهی ابن‌خرداذبه برای ما شناخته شده نیست. وی در بیان برخی از اطلاعات گاه اشاره‌ای غیرمستقیم به منبع خود با عبارت نظیر «قالت الحکماء» دارد.[۵] یا اینکه فلان خبر را از آدمی ثقه شنیده است.[۶] یا در جایی می‌نویسد «حدّثنی محدّث».[۷] و یا در خصوص خبری از روم می‌گوید: «قال العالم به البلاد الروم».[۸]

– آثار باستانی، تصویری و ترسیمی

ابن‌خرداذبه در اثر خود به آثار و بناهای تاریخی و کتیبه‌ها اشاره دارد. لکن این اخبار حاصل مشاهدات خودش نیست، بلکه از دیگران نقل کرده است. جز ایوان کسری که گویا خود آن را از نزدیک دیده است.[۹] روایت وی درباره بازدید ابن طولون از اهرام مصر را از منابع دیگر نقل کرده است.[۱۰]

نتیجه‌گیری

قرون سوم و چهارم هجری دوره رونق جغرافیانگاری اسلامی است. جغرافیانگاران

---

۱ همان، ص ۶۲.
۲ همانجا.
۳ همان، ص ۱۷۱.
۴ همان، صص ۱۱۴-۱۱۵، عبدالملک‌بن‌هشام [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الابیاری و عبدالحفیظ شلبی، ج ۱، بیروت: دارالمعرفة، صص ۴۶۸-۴۶۹.
۵ همان، ص ۱۴۷.
۶ همان، ص ۱۸۲.
۷ همان، ص ۱۸۱.
۸ ابن‌خرداذبه، همان، ص ۱۱۲؛ کراچکوفسکی، همان، ص ۱۲۲.
۹ ابن خرداذبه، همان، ص ۱۶۲.
۱۰ همان، ص ۱۵۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

برجسته‌ای در این دوره ظهور کردند و هریک بر اساس توانمندی و امکانات موجود به نگارش جغرافیا پرداختند. ابن‌خرداذبه از پیشگامان و بزرگان جغرافیانگاری اسلامی است. وی برخلاف بیشتر جغرافیانگاران کمتر به مسافرت رفته اما به سبب سکونت در عراق، مرکز خلافت اسلامی، از منابع مکتوب بسیاری برای نگارش اثر خود بهره برده است. همچنین وی به سبب اشتغال در دستگاه خلافت به اسناد و گزارش‌های مالی و اطلاعات دیوان برید دسترسی داشته از این رو وصف او از راه‌ها و میزان خراج و مالیات شهرهای مختلف جهان اسلام بسیار دقیق است. از همین رو نویسندگان بعدی این حوزه‌ها به‌ویژه قدامةبن‌جعفر در کتاب *الخراج* از تألیف او بسیار بهره برده‌اند. ابن‌خرداذبه به سبب سکونت در بغداد به آثار یونانی و ایرانی در حوزه جغرافیا دسترسی داشته از این رو در تقسیم‌بندی زمین به ربع معمور/ مسکون متأثر از آرای بطلمیوس است. ابن‌خرداذبه افزون بر منابع جغرافیایی از آثار لغوی، ادبی و دواوین شعری بسیار استفاده کرده است. ابن‌خرداذبه در استناد به منابع جغرافیایی و استشهاد به منابع ادبی به نقل صرف اکتفا کرده و از اظهار نظر درباره صحت و سقم آنها خودداری نموده است. ابن‌خرداذبه همچنین به اطلاعات کسانی که به مرکز خلافت آمدوشد داشتند دسترسی داشته از این رو بسیاری از اطلاعات درباره شهرها را از منابع شفاهی و شنیده‌ها استخراج و تنظیم کرده است.

منابع و مآخذ

- *قرآن کریم*.
- آرام، احمد (مرداد ۱۳۴۶)، «علم جغرافیا و تطورات آن درجهان اسلام»، *معارف اسلامی*، ضمیمه ۳.
- ابن‌خردادبه، عبیدالله‌بن‌عبد الله (۱۹۹۲)، *المسالک و الممالک*، لیدن، بیروت: دار صادر.
- ابن‌خلکان، شمس‌الدین‌احمدبن‌محمدبن‌ابی بکر [بی‌تا]، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالثقافة.
- ابن‌رسته، احمدبن‌عمر (۱۸۹۲)، *اعلاق النفیسه*، بیروت: دارصادر.
- ابن‌فقیه، احمدبن‌محمد (۱۴۱۶)، *البلدان*، تصحیح یوسف الهادی، بیروت: عالم الکتاب.
- ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق (۱۳۶۶)، *الفهرست*، تحقیق رضا تجدد، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

- ابن‌هشام، عبدالملک‌بن‌هشام [بی‌تا]، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الابیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت: دارالمعرفة.
- احمد، نفیس (۱۳۷۴)، *خدمات مسلمانان به جغرافیا*، ترجمهٔ حسن لاهوتی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اشکواری، محمدجعفر (۱۳۸۹)، «نقدی بر نامگذاری مکتب جغرافیایی عراق؛ بررسی موردی ابن‌خرداذبه، یعقوبی و ابن‌رسته»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، ش۴۳ و ۴۴.
- اقبال، عباس (۱۳۱۲)، «ابوالینبغی العباس‌بن‌طرخان، از شعرای ذواللسانین قرن دوم هجری، وفاتش در حدود ۲۳۰ هجری»، *مهر*، ش ۱۰.
- بوسنینه، منجی (۱۴۲۵)، *موسوعه اعلام العلماء و الادباء العرب و المسلمین*، بیروت: دارالجبل.
- جاحظ، عمربن‌بحر (۱۹۶۵)، *الحیوان*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، الطبعة الثانیة، مصر: شرکة مکتبة و مطبعة مصطفی البابی الحلبی و اولاده.
- حاج منوچهری، فرامرز (۱۳۶۷)، اسرائیلیات، *دبا*، ج ۸، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- الدینوری، احمدبن‌داود (۱۳۶۸)، *الاخبار الطوال*، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم: منشورات الرضی.
- ذهبی، شمس‌الدین‌محمدبن‌عثمان (۱۴۰۳)، *سیر اعلام النبلاء*، تهران: موسسة الرسالة.
- رضا، عنایت‌الله (۱۳۶۹)، «ابن خردادبه»، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- سمرقندی، دولتشاه (۱۳۸۲)، *تذکرة الشعراء*، به کوشش و تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر.
- سواژه ، ژان (۱۳۶۶)، *تاریخ شرق اسلامی*، ترجمهٔ نوش‌آفرین انصاری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صالحی، نصرالله (۱۳۷۸)، «ابن‌خرداذبه و دل ایرانشهر نظری به ابن‌خرداذبه و المسالک و الممالک او»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۸.
- عباس، احسان (۱۴۲۳)، «عالم منسی مسلم‌بن‌ابی‌مسلم الجرمی»، *التسامح*، عدد ۲.
- علی‌زاده جدا، زهرا (۱۳۹۵)، «تبیین و بررسی تاریخ نگاری ابن‌خرداذبه در *المسالک و الممالک*»، *فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی*، ش ۱۱.
- عوفی، محمد (۱۳۶۱)، *تذکرهٔ لباب الالباب*، محمد عباسی، تهران: کتابفروشی فخر رازی.
- فاضل السعدی عباس (۱۳۷۶)، «نظرة فی تراث العرب الجغرافی»، *المورد*، ش ۹۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰)، مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران: انجمن آثار ملی.
- قدامةبن‌جعفر (۱۹۸۱)، *الخراج و صناعة الکتابة*، تصحیح محمدحسیم زبیدی، بغداد: دارالرشیدللنشر.
- قرچانلو، حسین (۱۳۶۸)، «تحلیلی از آثار ابن‌خرداذبه»، *مقالات و بررسی‌ها*، ش۴۷ و ۴۸.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانویچ (۱۳۷۹)، *تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلام*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- گردیزی، ابی‌سعید عبدالحی‌بن‌الضحاک‌بن‌محمود (۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- مجاهد، احمد (۱۳۸۳)، جوحی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مسعودی، ابوالحسن علی‌بن‌حسین [بی‌تا]، *التنبیه و الاشراف*، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره: دارالصاوی.
- ـــــ (۱۴۰۹)، *مروج الذهب و معادن الجوهر*، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره.
- مقدسی، شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن‌احمد (۱۹۰۶)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، بیروت: دارصادر.
- منجم، إسحاق‌بن‌حسین (۱۴۰۸)، *آکام المرجان*، مصحح سعد فهمی، بیروت: عالم الکتب.
- مهدوی دامغانی، محمود (۱۳۸۸)، «حصین‌بن‌منذر رقاشی»، *دانشنامه جهان اسلام*، ج۱۳، زیر نظر حداد عادل، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
- یاقوت حموی (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، بیروت: دار صادر.
- یعقوبی، احمدبن‌ابی‌یعقوب‌بن‌واضح [بی‌تا]، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت: دارصادر.
- Berggren, Lennart and Jones, Alexander (2000), *Ptolemy's Geography an annotated translation of the theoretical chapters*, United Kingdom: Princeton University Press.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1398.11.40.2.5]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-03]